

## زنانه‌نویسی از جنگ ۲۰ مارس ۲۰۰۳ م در عراق

### (اشعار بشری البستانی)

مرتضی زارع برمی\*

استادیار گروه مترجمی زبان عربی دانشگاه دامغان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

#### چکیده

آمریکا به بهانه حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ م. در بیست مارس ۲۰۰۳ م. به عراق لشکر کشید و آن سرزمین را به اشغال خود درآورد. بستانی این تهاجم و اشغالگری را محکوم کرد و از دریچه ذهن زنانه خویش اشعاری با موضوع حمله آمریکا به عراق و پیامدهای ناگوار آن سرود. او در این اشعار، اغلب جویای وضعیت‌هایی است که مورد حمایت همسرانه و مادرانه واقع می‌شود تا از این رهگذر، همدلی خود را با جنگ‌زدگان و ضدیتش را با جنگ‌افروزی آمریکا در عراق اعلام کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بستانی تقابل‌های دوگانه جنسیتی بین زنان و مردان را هنگام روایت از جنگ جابه‌جا می‌کند. بر همین اساس، زن عراقی را به صحنه جنگ می‌آورد و این زن از زاویه دید اول‌شخص به روایت حوادث می‌پردازد؛ از توانمندی‌ها و صفات ویژه زنانه در انعکاس رویدادهای جنگ استفاده می‌کند؛ در مواجهه با جنایات دشمن به او ناسزا می‌گوید؛ نفرینش می‌کند؛ شیون سرمی دهد و از چرایی ارتکاب جنایت می‌پرسد. بنابراین روایت بستانی از جنگ، خط سیری عاطفی، غضبناک، نگران و پرسشگر دارد؛ از مرزها فاصله می‌گیرد و توان خود را به جنگ شهرها و قربانیان غیرنظامی آن اختصاص می‌دهد. این در حالی است که روایت مردانه از جنگ در مرزها و میان سربازان و اغلب به دور از خانواده‌ها شکل می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** زنانه‌نویسی؛ مردانه‌نویسی؛ جنگ؛ عراق؛ آمریکا.

## ۱. مقدمه

سیاست و جنگ‌های برآمده از نهاد آن، اغلب تحت سلطه مردان است (Mazey, 2000: 334) و زنان در این فرایند، ابژه‌های منتسب به مردان هستند. حال اگر زنانه‌نویسان بخواهند در این وادی مردانه صاحب روایت ویژه خود باشند، باید چهار گام بردارند:

(۱) رقم‌زدن فاعلیت زنانه (گرین و لیهان، ۱۳۸۳: ۳۳۵؛ براده، ۱۹۸۶م: ۱۷)؛

(۲) نفی تقابل‌های جنسیتی (بیسلی، ۱۳۸۵: ۸۶)؛

(۳) وام‌گرفتن از مختصات مردانه‌نویسی مثل پرخاشگری، خشم و مانند آن و یا طرد این مختصات به منظور شکل‌دادن به رابطه تقابلی (سیدمن، ۱۳۸۶: ۳۳۴)؛

(۴) استفاده از لغت‌نامه و زبان زنانه (المانع، ۱۹۷۷: ۷۳).

فاعلیت با تغییر وضعیت از شیء/ مفعولی<sup>۱</sup> به موضوع/ فاعلی<sup>۲</sup>، زنانه‌نویس برای نیل به این هدف سه مسیر را در پیش می‌گیرد:

(۱) از زاویه دید اول‌شخص به روایت [از جنگ] می‌پردازد (گرین و لیهان، ۱۳۸۳: ۳۳۵؛ فاوولر، ۱۳۹۰: ۱۰۴ و ۱۲۴ و ۱۲۹)؛ (۲)

(۲) مردستیزی را که خصیصه متن‌های فمینیستی است [کنار می‌گذارد و به ستایش از رزمندگان می‌پردازد] (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۱۸)؛

(۳) از من معشوق به من عاشق تغییر رویه می‌دهد.

### نفی یا تعدیل تقابل‌های دوگانه جنسیتی

اندیشه مدرن مبتنی بر تقابل‌های دوگانه همچون فرهنگ و طبیعت، عقل و عاطفه، عمومی و خصوصی، و مرد و زن با کدگذاری جنسیتی آمیخته‌است. براساس این نظام کدگذاری، مردان با فعالیت‌های فرهنگی و عقلانی شایستگی حضور در عرصه عمومی را پیدا می‌کنند (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۱۳) و به عنوان اجتماع و جامعه معرفی می‌شوند و زنان در حد و اندازه یک گروه در دل

زنانه‌نویسی از جنگ ۲۰ مارس ۲۰۰۳م در عراق (اشعار بشری البستانی) مرتضی زارع برمی

این جمعیت مردانه در نظر گرفته می‌شوند (الأعرجی، ۱۹۹۷: ۱۰). اصلی‌ترین تقابل‌های یادشده عبارتند از:

جدول شماره (۱): تقابل‌های دوگانه جنسیتی (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۹۰-۹۱).

مرد											
استقلال	موضوع/فاعلی	فرهنگ	آزادی	کلی	فعال	عمومی	عقل	منطق	حضور	روشن	بهره
زن											
وابستگی	شیء/ مفعولی	طبیعت	قیدوبند	خاص	منفعل	خصوصی	عاطفه	تهود	بیت	تاریک	گم

بسیاری از تقابل‌های دوگانه یادشده در روایت زنانه از جنگ بر هم می‌خورد، اما زوج عقل/عاطفه که منتسب به مردان و زنان است، در انواع ادبی زنانه به‌ویژه در شعر جنگ همچنان به اراده زنانه‌نویسان بدون تغییر می‌ماند تا زنان بتوانند به عنوان مادر یا همسر از حمایت‌شوندگی به حمایت‌کنندگی تغییر وضعیت بدهند؛ خود را فراموش کنند و تنها به شوهر، فرزندان و سایر قربانیان پردازند. بی‌شک مختصات بیولوژیکی زنان در این مهم کارساز است؛ «زنان علاقه‌ای ذاتی به پرورش، مراقبت از دیگران و همدلی دارند. این ویژگی، زنان را برای کارهایی مثل پرستاری و نگهداری از کودکان مناسب می‌سازد» (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۲۰؛ گرین و لیهان، ۱۳۸۳: ۳۳۸).

### وام‌گرفتن از مختصات مردانه‌نویسی

زنان هنگام روایتگری از جنگ، به دشمن ناسزا می‌گویند. این در حالی است که زبان، ایدئولوژی خشم و لطافت را در گفتمان فرهنگی تاریخی مردسالار به ترتیب، به مردان و زنان نسبت می‌دهد (محمدی‌اصل، ۱۳۸۹: ۶۵) و از زنان انتظار نمی‌رود ناسزا بگویند.

### لغت‌نامه زنانه

تفاوت معانی کلمه‌ها، «تفاوت نقش‌های سستی زنان و مردان جامعه را انعکاس می‌دهد» (Graddol and Swann, 1989: 113). در بسیاری از واژه‌هایی که زنان به کار بسته‌اند، تمایلات و گرایش‌های جنسیتی مشاهده می‌شود که یک‌سوی آن، ریشه در تفاوت‌های زیست‌شناختی

(Tiger, 1970: 122-126) و سوی دیگر آن، ریشه در نقش فرهنگی و اجتماعی دارد (Beynon, 2002: 7). برای مثال، کلمه‌های مربوط به خانه‌داری، اندام زنانه (باروری و زایمان) و احساسات زنانه به علت پایگاه اجتماعی خاص زنان و تفاوت‌های فیزیولوژیکی و زیست‌شناختی مردان و زنان در زبان زنانه ظاهر شده‌است.

#### ۱-۱. هدف پژوهش

پژوهش حاضر انجام می‌شود تا در وهله اول، فرم و محتوای زنانه‌نویسی از جنگ را به نمایش بگذارد و در وهله دوم، نشان بدهد که زنانه‌نویسی و مردانه‌نویسی از جنگ در برخی از موارد به جای رابطه دوقطبی (رقابت) به همکاری روی می‌آورند که نمود برجسته آن در استفاده زنان از دشواژه‌ها پدیدار می‌شود.

#### ۱-۲. سؤال پژوهش

زنانه‌نویسی بستانی از جنگ ۲۰۰۳م. آمریکا در عراق چه مختصاتی دارد؟

#### ۱-۳. فرضیه پژوهش

بستانی، زن وابسته به مرد را به عنصری فعال، مستقل، عاطفی، نگران، حامی، پرخاشگر و حاضر در صحنه تبدیل می‌کند. پس زنانه‌نویسی او از جنگ، دارای مختصات مردانه و زنانه است و رابطه بین این دو گونه را از رقابت به همکاری تغییر می‌دهد.

#### ۱-۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی، تبیینی و تحلیلی انجام می‌شود. منظور از توصیف زنانه‌نویسی، برخورد با این پدیده در سطح است بدون آن که به حریم علیت آن وارد شویم. در مرحله تبیینی، علل پدیده تبیین می‌شود و این پدیده در پوشش قوانین کلی‌ای که ماهیت آن را می‌رساند، جای داده می‌شود. در این مرحله چرایی و علت‌یابی مسئله مدنظر است و سرانجام در مرحله تحلیلی، محتوای آشکار پیام‌های موجود در متن اشعار بررسی می‌شود.

## ۵-۱. پیشینه پژوهش

أنغام عبدالرزاق در رساله «أدب الحرب الروائي العراقي النسوي المعاصر» (دانشگاه یورک، ۲۰۱۴م) به تأثیر جنگ عراق با ایران (۱۹۸۰-۱۹۸۸م)، جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱م) و جنگ (۲۰۰۳م) بر داستان‌نویسی زنانه در عراق می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که زنانه‌نویس عراقی، ضدجنگ است و زن عراقی، گواهی زنده بر نیست‌شدن عاشق، همسر، برادر و فرزند خویش است. شرفی کریمه در پایان‌نامه «الرفض في شعر بشری البستاني دراسة نفسية» (دانشگاه اَبی بکر بلقاید، ۲۰۱۵م) موضوع اعتراض سیاسی را در سه سطح ملی، سرزمینی و انسانی بررسی می‌کند و بخش پایانی این تحقیق را به موضوع خشونت علیه زنان و کودکان اختصاص می‌دهد. رائد الردینی در مقاله «المفارقة في شعر الجنوسة، قصيدة بشری البستاني نموذجاً، دراسة وتطبيق» (دانشکده ادبیات دانشگاه بصره، ۲۰۱۶م) با رویکرد فمینیستی به نموده‌های زنانگی در زبان جنسیت‌زده بستانی می‌نگرد. کتاب «ینایع النص وجمالیات التشکیل: قراءات في شعر بشری البستاني» (عمان، انتشارات دجله، ۲۰۱۲م) شامل هفده مقاله علمی با موضوع اشعار بستانی است که توسط خلیل شکری هیاس گردآوری شده‌است. دو مقاله از مجموع این مقاله‌ها با پژوهش حاضر همسو است:

۱) محمد صابر در «السؤال الأنثوي: شعريا من تصغير الأزمة إلى استبدال الدور» موضوع زنانگی، پیکر زن و زن‌ستیزی را با رویکرد فمینیستی در شعر «مخاطبات حواء» بررسی می‌کند. ۲) وفاء عبد اللطیف در «شعرية الجنوسة في قصيدة العراق» می‌نویسد قصیده عراق بستانی، میزبان موضوعات ملی، سیاسی، فمینیستی و بشردوستانه است که شاعر آن به نوشتن از رنج انسان در دنیای ناامن و بی‌سامان متعهد است.

ملا ابراهیمی و الباسی در مقاله «واکاوی مسئله زن در گفتمان شعری بشری البستانی» (زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، ۱۳۹۶ش) با نفی مقوله مردسالاری به موضوع زن و جایگاه اجتماعی او در جامعه عربی می‌پردازند. وجه تمایز مقاله حاضر با آثار یادشده بر سه رکن استوار است: ۱) زنانه‌نویسی از جنگ ۲۰ مارس ۲۰۰۳م. با منحصرکردن آن به تقابل آمریکا و عراق؛ ۲) در نظر گرفتن مجموع اشعار بستانی با موضوع جنگ؛ ۳) ارائه تحلیل‌های جدید از زنانه‌نویسی درباره جنگ.

## ۲. زبان جنسیتی

زبان جنسیتی قائل به جنس‌گرایی بین زبان زنانه و مردانه در دو سطح گفتاری و نوشتاری است. این رویکرد با توجه به ویژگی‌ها و خصلت‌های منحصر به زنان، تفاوت میان سخن گفتن مرد و زن را پذیرفته و اعتقاد دارد که زنان به دلیل داشتن احساسات، روحیات و ویژگی‌های جسمی متفاوت با مردان از زبانی متفاوت برخوردار هستند (Talbot, 2010: 224) که این زبان «مبین کیفیات اجتماعی فرهنگی درباره آنان است» (Sonenschein, 1969: 281).

## ۳. مؤلفه‌های زنانه‌نویسی بستانی از جنگ ۲۰۰۳ م.

بستانی هم‌زمان با جابه‌جایی تعدادی از تقابل‌های دوگانه جنسیتی می‌خواهد با بهره‌مندی از امتیازات خاص زنانگی، فرم، صدا و محتوای ویژه به خود را در زنانه‌نویسی از جنگ بیافریند.

### ۱-۳. فاعلیت زنانه

بستانی به منظور فعال ساختن زنان در جنگ، تقابل‌های دوگانه جنسیتی (استقلال/ وابستگی)، (فعال/ منفعل)، (حضور/ غیبت) و (موضوع - فاعلی/ شیء - مفعولی) مندرج در جدول شماره (۱) را به دو شکل جابه‌جا می‌کند و به دنبال آن کلیشه‌های تصویری و مضمونی روابط دو جنس را تغییر می‌دهد:

### أ) تغییر زاویه دید از سوم شخص به اول شخص

زنانه‌نویسی از زاویه دید اول شخص به دنبال آفرینش زن توانا برای خنثی کردن تصویر زنان منفعل، آسیب‌پذیر و وابسته است (گرین و لیهان، ۱۳۸۳: ۳۳۵). زنان در آثار مکتوبی که با محوریت انقلاب‌های داخلی و جنگ‌های خارجی نگاشته شده به عنوان ابژه‌ای متعلق به مرد و جنگ منظور شده‌اند. قربانیان غیرنظامی، مادر شهید، همسر شهید و دختر شهید نمونه‌هایی از این دست هستند؛ آن‌ها به رزمنده متعلق‌اند و از این تعلق ارزش می‌یابند (جوادی‌یگانه و صفی، ۱۳۹۲: ۸۶). حالا بستانی با تغییر زاویه دید از سوم شخص به اول شخص، به دنبال آفرینش زن توانا است. به عبارت دیگر او با تغییر چشم‌انداز بیرونی به درونی و سوم شخص به اول شخص از روایت و تصدیق تجربه دیگران به روایت تجربه خود از جنگ می‌پردازد:

«مائدة الحرب تدور/ أكثرتُ عصفَ الصاروخ القادم من طائرة الكابوجي/ أشربُ دُعرَ  
الأطفالِ وأمنحهم عطري/ يسترخي الطفلُ المدعورُ/ بَفوحِ العطرِ الفادحِ بينَ ذراعيّ/  
ويطبّقُ عينيه» (البستاني، ۲۰۱۲، أ: ۱۶۳).

بستانی از خانه خارج می‌شود و گزارش می‌دهد که اینک در صحنه جنگ حاضر هستم، موج برخاسته از موشک رهاشده از بالگرد آپاچی را در هم می‌شکنم، خودم را بین موج انفجار و کودکان عراق حائل می‌کنم و وحشت آنان را با در آغوش کشیدنشان به آرامش بدل می‌کنم.

### ب) زن در نقش عاشق

شخصیت‌های شعر بستانی در اشعار متمرکز بر جنگ دچار استحاله می‌شوند. به طور مشخص در روایت «الحب ۲۰۰۳» زن در نقش عاشق (فاعل) قرار می‌گیرد و مرد در نقش معشوق، و «من شما را دوست دارم» یک تحول تاریخی و بنیادین می‌یابد و جای زن به عنوان شما (Object) و مرد به عنوان من (Subject) عوض می‌شود؛ بنابراین بستانی بر صخره می‌نویسد که عاشق قهرمان شهادت طلب است و نه معشوقه او:

«ها أنا أكتبُ على الصخرِ/ أحبُّك/ كي تتعلمَ الأجيالُ حواريةَ الحريةِ/ .. أحبُّ بطولَةَ  
استشهادي» (همان، ب: ۱۶۷).

### ۲-۳. دشواژه‌ها

مطالعه دواوین شعری چند شاعر اعم از مرد و زن که با حضور استعمار یا استبداد در کشورشان دست‌به‌گریبان بوده‌اند یا گرفتار تجاوز خارجی شده‌اند، نشان داد که سرزنش و ناسزاگویی به دشمن و استفاده از زبان و بیان سخیف به هنگام نام بردن از دشمن برای آن‌ها عادی است؛ هرچند به کاربردن چنین زبانی شایسته آن شاعران نیست. با این حال دشنام‌های مردان متفاوت از زنان است، نهایت خشم زنانه در کاربرد اصطلاحاتی چون «بی‌شعور» نمودار می‌شود (محمدی‌اصل، ۱۳۸۹: ۷۳)، زیرا زنان بیشتر از مردان به موقعیت اجتماعی خود توجه می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند، از این رو مؤدب‌تر هستند. دومین دلیل مؤدب بودن زنان به انتظارات جامعه از آن‌ها برمی‌گردد؛ زنان الگوی رفتاری صحیح در جامعه هستند و مادران الگوی کودکان خود به حساب می‌آیند. از دلایل دیگری که برای توجیه مؤدب‌تر بودن زنان

زنان ذکر می‌شود آن است که زنان در مقایسه با مردان برای حفظ حیثیت خود ارزش بیشتری قائل هستند (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۵۰-۵۵۱).

بستانی در محکومیت تجاوز آمریکا و سایر اعضای ائتلاف به خاک عراق از دشواری‌های بافت ویژه و عمومی استفاده می‌کند و بر این دو، نفرین دشمن را هم باید افزود:

### أ) دشواری‌های بافت ویژه

دشواری‌های موجود در این بافت، خنثی و غیر تابو هستند. واژه‌های مرتبط با نارسایی‌های فیزیکی، روانی و اجتماعی از لحاظ بار معنایی خنثی هستند، اما زمانی که برای به‌تصویرکشیدن نقص فرد موردنظر به کار برود بار معنایی منفی به خود گرفته و در زمره دشواری‌ها قرار می‌گیرد (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۱۳). مطالعه اشعار بستانی نشان داد، رایج‌ترین دشواری او به آمریکایی‌ها دزد، خواندن آن‌ها است. او ژنرال‌های آمریکایی را در ردیف دزدان بی‌شرمی قرار می‌دهد که بودجه بازسازی عراق را سرقت کرده‌اند. عراق پس از پشت‌سرگذاشتن سه جنگ ویرانگر با ایران و کویت و آمریکا، و تحمل تحریم‌های همه‌جانبه شورای امنیت، اکنون شبیه به ویرانه‌ای است که به کمک‌های بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری وابسته است. ژنرال آمریکایی با دانستن این مهم و این‌که خود بخشی از مصیبت امروز عراق است اما از سرقت دو میلیارد دلار دولت عراق صرف‌نظر نمی‌کند و پس از دزدی در لباس دزدان دریایی پا به فرار می‌گذارد و دردی بر دردهای ملت عراق می‌افزاید:

«الجنرالوات الأملیکان/ سرقوا ملیاری دولار/ ثمناً للأعمار/ بعراق لا یملک (شیت) دوا  
واحد/ لأنین الأتقاض وأورام الأساکب/ ولا حُفنة نور للظلمات/ الجنرالات الأملیکان/  
فروا بجلود القرصان» (بستانی، ۲۰۱۲، ا: ۲۳۶-۲۳۷).

ارتش آمریکا تاراجگر است، سربازش کفن دزد است؛ او از سرقت محتویات قبور نیز ابایی ندارد:

«دبابات السلب تدور/ فی حُجرات المشفی/ یقتنص الأملیکئی غطاء الموتی/ أشباح  
القتلی/ تُهبت فی غبش الفجر مقابهم» (همان، ا: ۱۱۲).



### ب) دشواژه‌های عمومی

دختران در چهارچوب عواطف و مهربان بار می‌آیند، اما با حضور همین دختران در سازمان‌های نابرابر سالار می‌توان شاهد بروز گفتمان خشن آن‌ها (محمدی‌اصل، ۱۳۸۹: ۱۲۶) با استفاده از دشواژه‌های عمومی بود که از نظر اخلاقی، مذهبی و آداب و سنت‌ها بیان‌ناشدنی هستند. فرایندهای سکس، دفع، مفاهیم مرتبط با مرگ، خواندن انسان با نام حیوانی و توهین به مقدسات در زمره دشواژه‌های عمومی هستند (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۱۳). دشواژه‌های عمومی بستانی زمانی دامن ارتش آمریکا را می‌گیرد که این ارتش برای عراقی‌ها پیام‌آور مرگ می‌شود. بستانی که خود، شاهد قتل کودک عراقی در تیراندازی‌های کور سربازان آمریکایی است، کنترل از کف می‌دهد و متجاوزان را بچه‌افعی و زناکار می‌نامد:

«دباباٹ الموت تدور / أولادُ الأفعی وُزناةُ العصرِ ... / الجنديُّ الأمريكيُّ / يطلقُ ناراً فوق  
جبینِ صبی / سقطَ الطفلُ بِبرکةِ دم» (البستانی، ۲۰۱۲، ا: ۱۲۳-۱۲۴).

### ج) نفرین‌ها

دشنام‌ها و نفرین‌های مردان متفاوت از زنان است. این دو حوزه از آن جهت تفاوت دارد که محل انعکاس قدرت، روحیات، نگرش‌ها و عواطف خاص هر جنس است. مردان به دلیل برخورداری از پایگاه اقتدار، صفات بد را به دیگری اطلاق می‌کنند و دشنام می‌دهند اما زنان بیشتر نفرین می‌کنند؛ زیرا قدرت کمتری دارند؛ بنابراین وجه کلامشان تمنایی و دعایی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۵). به عبارت دیگر، زنان فکر می‌کنند حق پایمال‌شده آن‌ها قابل جبران نیست و قادر به انتقام‌جویی نیستند. بنابراین شروع به نفرین می‌کنند (پیش‌قدم، ۱۳۹۳: ۵۹).

بستانی نیز بر این اساس که توان انتقام از متجاوزان را ندارد زبان به نفرین آن‌ها می‌گشاید. او دعا می‌کند اقبال آمریکا و ارتش آن رو به ادبار بگذارد، مسیر آینده این ابرقدرت متجاوز با آتش و گدازه فرش گردد و سرانجام به ورطه نابودی و هلاکت درافتد:

«أمريکا / فجرك أفل / والريخ تحصب باللهب زمانك الآتي / ستنطفئین أمريکا /  
ستنطفئین ...» (البستانی، ۲۰۱۲، ا: ۲۸۴)، «وأقولُ للنجوم المعلقة علی كنفِ الأمريكيِّ:  
ستنطفئین» (همان، ب: ۲۷).

## ۳-۳. از تن نویسی

تفاوت دیگر نوشتار زنانه با نوع مردانه، نگاه زن به تن و نیازهای تن و توانمندی‌های زنانه در بازنمایی رفتارهای احساسی یا همان از تن نویسی است. نوشتار زنانه حاوی کلمه‌ها، توصیف‌ها و عبارتهایی مرتبط با اندام زنانه و برگرفته از تجربه‌هایی است که فقط زنان می‌توانند آن را تجربه کنند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۲ و ۴۱۹). بر همین اساس بارداری، نازایی، آزار جنسی، تجاوز و رقص از جمله توانمندی‌های زنانه و صفات ویژه عمدتاً منتسب به زنان است که هنگام روایتگری از جنگ ۲۰۰۳م. به کمک بستانی آمده‌است.

## أ) بارداری

مادر باردار در گیرودار جنگ به شدت مجروح شده‌است. گلوله‌ها بدن او را سوراخ کرده‌اند. مراکز درمانی عراق و سایر زیربناهای این کشور از پیل گرفته تا دانشگاه‌ها، مسیره‌های مواصلاتی، ورزشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، مدارس، نیروگاه‌های برق و کارخانه‌های داروسازی و غذایی در بمباران‌های ائتلاف ویران شده‌اند. قربانیان جنگ حتی در بیمارستان‌ها امنیت ندارند؛ در این شرایط جنین درون رحم مادر راهی برای فرار از فاجعه جنگ می‌جوید، اما به کجا و چگونه درحالی که مادر بر اثر خونریزی ناشی از اصابت گلوله‌ها به کام مرگ کشیده می‌شود:

«تحملي فوق كتفيك وسط انفجار المستشفيات/ والصواريخ تهوي/ تنفلق الجسور تتكسر  
أعمدتها/ وندخل في الغياب،/ في الشوارع والملاعب/ وعلى الأرصفة بك دم/ زجاج  
القصف يمزق أكف الأطباء/ صالات العمليات معتمة/ الصواريخ تهوي على محطات  
الكهرباء/ على إسالة الماء/ على معامل الأدوية والأغذية/ أسمع في الأعماق صرخة  
جنيني/ فرعاً يمزق أحشائي/ يحاول الهرب، لكن إلى أين/ ساعداك حول خصري يحاولان  
إيقاف/ نوافير الدم/ من الخاصرة/ من فصوص الصدر/ من العنق/ ساعداك يبحثان عن  
ثقوب الرصاص/ في جسدي/ شلالين من دم/ أتعب/ أتعب/ أغمض عيني وأحتضن  
الأرض» (البستاني، ۲۰۱۲، ب: ۴۶-۷۳).

### ب) نازایی

نازایی و مسمومیت زنان از جمله پیامدهای مخرب سلاح‌های ممنوعی است که آمریکا در حمله به عراق، علیه غیرنظامیان استفاده کرده‌است:

«في الوطن العربي/ أمريكا أهدتكم قذائفَ يورانيوم/ كي تعقم/ كي تتسمم/ قال الطفل/  
ماما أكره أمريكا» (همان: ۲۲۷).

### ج) آزار جنسی، تجاوز و قتل

«أندلسیات لجروح العراق»، مجموعه‌ای از تناص‌های تاریخی است که شاعر در مقطعی از آن، بین تاتارها، صلیبی‌ها، صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها در تجاوز به جهان اسلام و هتک حرمت زنان و دختران مسلمان پیوند برقرار می‌کند. دیروز بود که هولاکو سر از تن مردم عراق جدا کرد، مسیحیان به اندلس تاختند و زیبایی آن را به تاراج بردند و صهیونیست‌ها فلسطین، قبله اول مسلمانان را به اشغال خود درآوردند، و امروز سربازان متجاوز آمریکایی با اخلاق هولاکویی، صلیبی و صهیونیستی به عراق تاخته‌اند؛ زنان و دختران بی‌دفاع را آزار می‌دهند، حرمت می‌شکنند و آن‌ها را در برابر دیدگان پدران به قتل می‌رسانند:

«دبابات القتل تدور/ هولاکو یترصدنی/ یقطع رأسی،/ دبابات الغزو تدور/ یلوث ثوبی نقت  
الدبابات/ تنقب روحی عین الأمريكي،/ هدی الدبابات/ یزرع فی قلب الأرض/ دموعاً  
أخری/ وقلب اللیل/ ینزف أندلساً أخری/ وفلسطین،/ دبابات الحقد تدور/ غرناطه تعدو فی  
قمصان اللیل/ یلاحقها الذئب التتری،/ الآباء/ یخفون الطلقات بصدر العذراوات/ ضفائرهن  
على الرمل/ یخضبها الدم/ وجع فی أعینهن عراقی» (همان: ۱۰۴-۱۱۳).

### د) رقص

رقص و حرکات موزون منتسب به آن، یادآور زنانگی است. باین‌حال اما رقص از گذشته تا هم‌اکنون قالبی برای به نمایش گذاشتن سرسپردگی به خداوند، شادی، غم، مبارزه‌طلبی و سایر افکار و احساسات بشر بوده‌است (حسین: ۲۰۱۴: ۷۴). رقصنده به هنگام رقص، اعضای بدن را هماهنگ با یکدیگر در لحظه‌ای استراتژیک آماده پاسخگویی به ندهای روحی می‌کند؛ رقصیدن

بستانی نیز سمبل ایمان وی به زندگی در برابر مرگ و حرکت و انتشار بر ضد رکود است؛ مجالی که در پرتو آن توان عراقی‌ها را به رخ دشمن می‌کشد (مصاحبه با بشری البستانی، ۱۷ مه ۲۰۰۶):

«على باحة الرقص تهوي القنابل/ في باحة الرقص كنا نقاوم كيد الشظايا/ ولؤلؤة الوجد كانت  
تنثُ رذاذ الضياء/ على كتفيك/ وتشعل روحي/ تشدُّ ذراعاك خصري/ أخفي جبينك في  
دفع صدري/ فينهض جسر المدينة/ يعلو هلالاً جديداً» (البستاني، ۲۰۱۲، أ: ۲۶۷).

#### ۴-۳. مادرانه‌نویسی (آغوش مادرانه)

صمیمیت جسمانی میان مادر و فرزند که در لذت آغوش مادرانه شکل می‌گیرد، کودک را به اهمیت آسایش خود، جایگاهی که در زندگی مادر و در نتیجه در دنیا دارد مطمئن می‌سازد. این تضمین بی‌نهایت عمیق و متداوم است (جانیتی‌بلوتی، ۱۳۸۸: ۴۱). بر همین اساس است که بستانی در ابعاد رمزی و واقعی آغوش خویش را برای دربرگرفتن زمین، عراق و کودکان جنگ‌زده می‌گشاید:

#### أ) در آغوش گرفتن زمین

همیاری، همدردی و حمایتگری رمز کاهش بحران و گسترش آرامش است؛ کره زمین با چاقوی مرزها قطعه‌قطعه می‌شود؛ او کودکی است که جنگ‌ها پریشان و در مانده‌اش کرده‌اند؛ بنابراین ماه آسمان به سمت زمین می‌آید تا به او آرامش بدهد. جنگ ادامه دارد و این بار کودک زمین می‌خورد. بستانی همراه با ماه به سوی کودک خم می‌شوند تا او را بلند کنند تا زمین در پناه ماه و شاعر از مصیبت جنگ قدری آرامش یابد:

«حول مائدة الحرب كنا أسيرين/ ما بيننا الأرض تفاحة/ ألدود سكاكينها/ كرة والطغاة  
تقاذفها رجمهم/ طفلة كانت الأرض بيني وبينك/ مبلولة الشعر/ البدن يهبط يمسح  
جبهتها/ تصرخ الأرض .. أكبو .. / أضمت سواعدها/ تذوي الصواريخ/ تنكفي القنبلة»  
(البستاني، ۲۰۱۲، أ: ۲۵۵-۲۵۶).

### ب) در آغوش گرفتن عراق

بستانی عراق را در آغوش می‌گیرد و محبت مادرانه خود را نثار کودکان می‌کند. او غبار جنگ و اختلافات پس از جنگ را از فضای عراق می‌پراکند تا کبوتران صلح بتوانند در آسمان آن سرزمین به پرواز درآیند:

«وقلت/ خذي العراق بين ذراعيك/ كي يغفو أطفاله الجائعون/ وامسحي عن وجهه  
غبار الحرائق/ كي يتواصل الهديل» (همان، ا: ۳۴).

### ج) در آغوش گرفتن کودکان جنگ‌زده عراقی

کودک بی‌دفاع برای لحظاتی از وحشت بالگردهای نظامی در آغوش پرمهر و عطراگین بستانی می‌آراند، اما قطرات اشکی که از چشم شاعر فرومی‌چکد کودک را از خواب کوتاهش بیدار می‌کند:

«مائدة الحرب تدور/ أكتثر عصف الصاروخ القادم من طائرة الكابوجي/ أشرب دُعر  
الأطفال وأمنحهم عطري/ يسترخي الطفل المدعور/ بئوح العطر الفادح بين ذراعي/  
ويطبئ عينيه/ فيوقظ الدمع المتفصّد من قلبي/ فيوقظ الدمع المتفصّد من قلبي/ أخرجل  
من نظرت الخضراء .. / وأذوي...» (همان، ا: ۱۶۳-۱۶۴).

### ۳-۵. عرضه پیام‌های عاطفی با آه و شیون

زنان نسبت به مردان در انعکاس وجدانیات خویش تواناتر هستند؛ دلیل این برتری را باید در بیان بدون خجالت زنان از درونیاشان یافت (مناصره، ۲۰۰۲: ۲۲). به عبارت دیگر از مردان انتظار نمی‌رود هنگام رخداد حوادث تلخ آه و ناله سردهند و گریه کنند یا زنان خشم و عصبانیت خود را با ادای کلمات آتشین نشان بدهند؛ زیرا اولی به معنای بی‌قدرتی مرد و دومی به معنای قدرتمندی زن است؛ با این حساب دیگر نمی‌توان از اولی کمک گرفت و به دومی کمک داد (محمدی‌اصل، ۱۳۸۹: ۹۹). بستانی با تبعیت از این اصل زنانه عراق را تنها، مظلوم و درهم‌شکسته به تصویر می‌کشد. شاعر در این تصویرسازی ابتدا از خود شروع می‌کند. او از وحشت جنگ در خانه پناه می‌گیرد؛ پنجره‌ها را می‌پوشاند؛ می‌ترسد؛ گریه می‌کند و وقتی سپیده‌دم با صدای تیراندازی‌ها از خواب برمی‌خیزد می‌بیند که کودک معصوم رؤیای او درباره اقدامات مجرمانه آمریکایی‌ها می‌پرسد، اما شاعر از پاسخ‌گویی ناتوان است. بستانی که بر خود مسلط می‌شود

بغداد را زخم خورده خیانت‌ها، دردمند ویرانی‌ها و عزادار شهیدان می‌یابد. او کودکانی را می‌بیند که در آتش می‌سوزند؛ پس فریاد می‌کشد و می‌گوید «ای وای من»:

«عرباٹ الحقد تدور/ تسد نوافد بیٹی/ فأبکی .. / أصحو فی الفجر علی صوت  
الإطلاق/ يتساءل طفل في شرفة قلبي/ عما يفعله الأمريكي/ علی البوابات .. / بغداد  
.. اللوعات .. العبرات .. الطعنات .. / ظهرک ینزف .. / مفتاحک ثانیة فی جیب  
الأمريکی/ یخضبہ الدم .. / یا ویلی .. / عظام الأطفال وقود» (البستانی، ۲۰۱۲، ا: ۱۲۰-۱۲۳).

### ۳-۶. خانه و خانواده

خانه و خانواده با وجود کاربرد در آثار مردان از جمله واژگان و موضوع‌های پربسامدی است که در آثار زنان بسیار دیده می‌شود. خانه محلی است که زنان با آن ارتباط زیادی دارند، بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذرانند و بسیاری از رویدادهای زندگی‌شان مانند دوران کودکی، تولد فرزندان، ازدواج، مرگ عزیزان و مانند آن را در آنجا تجربه می‌کنند (Thomas and Others, 2004: 87 & Fasold, 1990: 102). این وضعیت موجب پیدایش ویژگی‌هایی مثل احساساتی بودن و همدردی در زنان می‌شود.

شاعر با گذشت چهارده سال از جنگ ۲۰۰۳م. همچنان نگران مردم است؛ در ایمیلی به من گفت: «خلبانان آمریکایی هم اکنون مردم بی‌گناه موصل را بمباران می‌کنند و ارتش عراق همچنان با جنایتکاران داعش در نبرد بی‌امان است. خانواده من [ملت عراق] اینجا هستند و من برای آن‌ها آرزوی سلامتی دارم» (مکاتبه با شاعر، ۲۰۱۷، ا):

«دقت الصافرة .. / ستاتي الصواریخ/ منتصف الليل هذا/ وبتی کان علی وشک النوم/  
الیاسمیر غفا/ ألسرؤ کان سیغفو/ علی صوتها فز سرب الطيور/ وسرب الطفولة/ فزت  
شوارخ آمنة/ وحقول/ وفزت. لماذا؟...» (البستانی، ۲۰۱۲، ا: ۳۳۹).

عراق خانه بستانی است؛ عراق اعم از خانه، طبیعت، خیابان و باغ در شعر «بانظار القصف» نقش ظرفی را دارد که شاعر نگرانی، اضطراب، رنج و ترس خود را در آن می‌ریزد. این عناصر مکانی به اراده شاعر زنده هستند و بر اثر جنگ پریشان می‌شوند و می‌ترسند.

«دَقَّت الصافرة/ هو الوقت لا ينقضي/ والدقائق ليست تمرُّ/ تسائلن:/ من سيموتُ بآخرة  
الليل:/ طفلي،/ أخي،/ جاري؟/ يدُ من سوف تقطعُ في آخر الليل،/ أو ساقفه؟/ جسمُ  
من ستهشم؟/ تلك الصواريخُ» (همان، ا: ۳۴۰-۳۴۱).

عراقی‌ها خانواده‌ی شاعر هستند و او در شب‌های بمباران نگران آن‌هاست. استخدام متعدد اسلوب استتفهام توسط شاعر علاوه بر انعکاس پیامدهای جنگ (مرگ، قطعه‌قطعه‌شدن و ازهم‌پاشیدن بدن‌ها) از آینده مبهم عراقی‌ها حتی برای زنده‌ماندن خبر می‌دهد.

### ۷-۳. رؤیایپردازی و رؤیابینی

دیالوگ که خصیصه‌ی شعر مردانه است در شعر زنانه جای خود را به مونولوگ می‌دهد، زیرا زن با خودش در خانه تنهاست و این تنهایی حتی در بطن جنگ نیز ادامه می‌یابد. اینجاست که او در لاک تنهایی فرو می‌رود و برای ایجاد توازن بین خود با دنیای واقع و همچنین برای جبران بسیاری از آرزوها و رؤیاهای دور و دست‌نیافتنی‌اش به خیال‌پردازی روی می‌آورد (بوطیب، ۲۰۰۶: ۳۰؛ لحمیدانی، ۱۹۹۳: ۱۸). به همین دلیل خطی از اضطراب نسبت به شرایط فعلی و عدم اطمینان به آینده در زنانه‌نویسی دیده می‌شود (سمرین، ۱۹۹۰: ۱۲۱). این مهم زمانی در زنانه‌نویسی بستانی از جنگ تشدید می‌شود که بدانیم سنگینی حملات نظامی و تاکتیک‌های کارآمد آمریکا و انگلیس در جنگ، و بی‌انگیزگی سربازان عراق به فروپاشی سریع ارتش و اشغال این سرزمین انجامید (أحمد، ۲۰۰۴: ۱۳۰). این مجموعه عوامل باعث شد تا بستانی با نگرانی به آینده‌ی عراق اشغالی بنگردد و با زبان مردد و با اما و اگر و شاید درباره‌ی پیروزی بر آمریکایی‌ها رؤیایپردازی کند.

### أ) رؤیایپردازی برای آینده‌ی عراق جنگ‌زده

برونداد رؤیای شاعر در شرایطی که عراق در جنگ به زانو درآمده چنین است:

«من تری سيعلم أحزاننا أنَّ ورد النهار/ لليلي حصار/ من تری سيعلم أحلامنا أن تقود  
العواصف/ بما ننتهي نحنُ» (البستانی، ۲۰۱۲، ا: ۲۳۲-۲۳۳).

شاعر با خودش زمزمه می‌کند که جنگ سرانجام به پایان می‌رسد و ای بسا عراق جای شکست را با پیروزی عوض کند و روزگار دوباره بر وفق مرادمان شود.

**ب) نگرانی نسبت به سرنوشت جوانان عراقی و لبنانی و فلسطینی**

لحن نامطمئن و حسرت‌زده بستانی به سمت جهان عرب دامن می‌گسترده؛ او آرزو دارد جنگ گریبان ممالک عربی را رها کند و جوانان عرب در لبنان و فلسطین و عراق توسط اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها به قتل نرسند:

«آه لو یستطیع العذاب أن یهجّر وطنی/ آه لو یستطیع هؤلاء الشباب ألا يموتوا/ فی لبنانّ وفي القدس/ فی عینیّ وقلبی/ وعلی شواطئ المبهورة بدجلة/ الغافیة علی ساعدی/ الممتزجة بالدم» (همان، ب: ۲۸۲-۲۸۳).

**۸-۳. یادآوری خاطرات قدیمی**

زنان بنا بر کلیشه‌های اجتماعی و فرهنگی به‌آسانی به دیگران اطمینان نمی‌کنند، آن‌ها مایل هستند با سکوت یا کمتر صحبت کردن از آسیب‌های اجتماعی در امان بمانند؛ تلقی آنان چنین است که نباید درباره مسائل شخصی با دیگران صحبت کرد (گری، ۱۳۷۸: ۱۴۶). اما جنگ عرصه همدردی و اطمینان خودی‌ها به یکدیگر است؛ جایی که می‌توان جدایی را پس زد و همگرایی را با تداعی سنن فرهنگی در قالب بازخوانی خاطرات قدیمی جست‌وجو کرد؛ بر همین اساس، بستانی با دیدن صحنه بمباران قبور عراقی‌ها به بهانه کشف سلاح‌های کشتار جمعی و بیرون ریختن اجساد از قبرها و نمایان شدن سرهایی که هنوز مو بر آن‌هاست به یاد می‌آورد به وقت کودکی، مادرش موهای بلند و درهم‌تافته او را چیده و کنار بسترش با روبان قرمز آویخته است. سپس خدا را شکر می‌کند که برای اولین مرتبه بابت مرگ مادرش گریه نمی‌کند، زیرا مادرش مجبور نیست صحنه گورستان بمباران شده را ببیند:

«یسرّخ اللیل شعره فوق جروحنا/ والصوریح تسقط/ تفجّر المقابر بحثاً عن أسلحة الدمار الشامل/ فتطایر الجثث جماجم/ وأشلاء صدور/ وسواعد/ یأیتها الصبیبة بفكّ سفلیّ وأصابع عظیمة/ وأشلاء کنفٍ أنثویّ/ ما جفّ العیبر بعد/ مازالت خصل شعرمّ تهدل/ تدکّرني بأول ضفیرة قصّتها لی أمی/ وعلقتها علی کنفِ سریری بشرائط حمر/ أمی قصّت ضفائری الطویلة کسنابل نیسان/ لتی کیف ینهمر شعری علی کنفی شلالاً/ ولأول مرة



لا أبکی غیاب أمی / بل أشکر السماء التي غیبتها / کي لا تری کیف .. / تسقط  
الصواریخ» (البستانی، ۲۰۱۲، ب: ۳۷-۳۸).

### ۹-۳. ساختار پرسشی

از نگاه زنانه، زن با استفاده از ساختار پرسشی، مخاطب را به تأمل و درنگ دعوت می‌کند. گویی آنچه را قصد دارد به خواننده منتقل کند در ساختار پرسشی بهتر محقق می‌شود (رضوانیان و ملک، ۱۳۹۲: ۶۴). بستانی نیز با در نظر گرفتن این مهم به هنگام روایت از جنگ ۲۰۰۳م. از متجاوزان، و جوانان عراقی سؤال‌هایی می‌پرسد:

#### أ) سؤال از متجاوزان

زن با سؤالاتی نظیر «چطور می‌توانی با من چنین رفتاری داشته باشی؟» به مرد احساس گناه و عذاب وجدان می‌دهد و ذهن او را به سمت خود برمی‌گرداند (گری، ۱۳۷۸: ۱۲۷). بستانی هم از اشغالگران می‌پرسد؛ چه می‌شد، مگر چه اتفاقی می‌افتاد اگر به عراق حمله نمی‌کردید؟ اگر مادران عراقی را نمی‌کشتید! اگر خانه‌ها و مدرسه‌ها را ویران نمی‌ساختید! اگر کودکان را یتیم نمی‌کردید! اگر آرامش عراق را آشفته نمی‌ساختید! و چه خواهید کرد اگر همین بلاها که بر سر عراق و مردم آن آوردید بر سر خودتان بیاید:

«ماذا كنت ستفعل/ لولا هذا الصاروخ/ ماذا كنت ستفعل لو ظلّ البيت/ بيتاً/ والزوجة تطلب  
دفعاً/ وغذاءً للأطفال/ وملايس قبل العيد الآتی/ ماذا كنت ستفعل/ لو ظلت مدرسة الحي/  
مدرسة/ ماذا كنت ستفعل لو ظلّ الطبخور/ لا يرسم غير الجرح/ وغير نخيل ينزف/ ماذا كنت  
ستفعل/ لو ظلت قدماک/ تنطلقان صباحاً والطرقات .. / مقفلة/ والدبابات/ تحصد  
أطفالک/ تحصد أشجارک، تحصد في طرفة عين» (البستانی، ۲۰۱۲، أ: ۲۹۳-۲۹۵).

#### ب) سؤال از ملت عراق

تمایل شاعر به استفاده از ساختار پرسشی در گفتگو با جوانان عراقی (فرزندان دجله و فرات) دیده می‌شود، تا به این شیوه از ایجاد فضای تک‌صدایی در مبارزه با آمریکا جلوگیری کند و همگان را در اندیشه مقاومت شریک سازد. به همین دلیل «در نوشتار زنانه نمی‌توان تأکیدیاتی

نظیر بایستی دید یا فرض بر آن است یافت، زیرا زنانه‌نویسی برخلاف مردانه‌نویسی به دنبال برابرسالاری است» (محمدی‌اصل، ۱۳۸۹: ۹۱):

«ماذا كنت ستفعل يا ابن النهرين؟/ والنهران يجفان أمامك» (البستانی، ۲۰۱۲، ا: ۲۹۵).

### ۱۰-۳. نقل قول مستقیم از دیگران

زنان براساس اندیشه مدرن مبتنی بر تقابل‌های دوتایی که کدهای جنسیتی در آن پنهان است (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۱۳) در رقابت با مردان برای تصاحب سلطه و ثروت به عقب‌رانده می‌شوند، ترس، تردید، احتیاط و تزلزل در اعتماد به نفس بخشی از پیامدهای این رقابت نابرابر است که در زنانه‌نویسی به شکل نقل قول مستقیم متبلور می‌شود. البته این سخن نافی کاربرد نقل قول مستقیم در نوشتار مردانه نیست، بلکه پاسخی به چرایی گرایش زنانه‌نویس به نقل قول مستقیم است. بر این اساس، (۱) زنان براساس کدهای جنسیتی بیش از مردان محتاط هستند و تمایل ندارند محتوای متن به‌تمامی به آن‌ها منتسب شود؛ (۲) زنان با استناد کلام به دیگری به دنبال گرفتن تأیید از جمع هستند، یعنی این فقط سخن من نیست و دیگری هم با من هم عقیده است؛ (۳) هم‌صدایی جمعیت با آن‌ها پیامد همین تأیید هست؛ و (۴) ارجاع به منبع موثق در اعتماد به محتوای متن مؤثر است. بنابراین متن شانس بیشتری برای دریافتگری از سوی جمع دارد (مکاتبه با شاعر، ۲۰۱۷، ب). این در حالی است که در مردانه‌نویسی نظرها صریح‌تر بیان و پیشنهادها مستقیم و شفاف‌تر مطرح می‌شوند و برخورد آن نسبت به موضوع مشخص‌تر، معلوم‌تر و مستقیم‌تر است (نرسیان، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۱۰۶).

### أ) انهدونا و حمورابی (استناد شاعر به میراث باستانی عراق)

شاهدخت انهدونا اولین شاعره خاورمیانه و دختر سارگن اکدی، بنیان‌گذار پادشاهی اکد در ایملی به بستانی می‌گوید از یورش نظامیان ائتلاف بر عراق و تصرف بین‌النهرین و قتل‌عام مردم ناراضی است. حمورابی، ششمین امپراتور بابل هم خطاب به شاعر می‌گوید ما بودیم که در سرزمین عراق برای نخستین بار از حقوق بشر نوشتیم و حالا چوپانانی پیدا شده‌اند که در سازمان ملل به اسم دفاع از حقوق بشر، دست به طغیان زده‌اند و با کشتی‌های جنگی بر عراق، سرزمین بهار هجوم آورده‌اند و قوانین حقوق بشر را در قالب بمب و موشک بر سر مردم فرومی‌ریزند:

«في الصباح استلمتُ رسالة عن طريق النت من جلاله الملكة/ انخدوانا/ ابنة الملك العراقي سرجون الأكدي تقول: /أنها تعبٌ من الحرب/ وإنّ الزرايزر لم تعد تعني في عرشها من زمن/ وإنّ الجنة ضاقت بورودِ قادمةٍ من العراق/ وحمورابي يقف باذخاً فوق أسوار وقصور بابل/ مؤشراً بالخط الأحمر/ بقلمه العراقيّ تحت الحقوق الإنسانية التي دجبتها شرائعه/ والتي انتهكتها شرائع نيويورك بعصيّ رعاة البقر/ تلك التي تحولت إلى حمم بركانية تقذفها بارجاتُ الحضارة/ على ورود نيسان العراق» (البستاني، ۲۰۱۲، ب: ۲۱-۲۲).

### ب) کارشناس دشمن (ارجاع دهی به منبع مورد قبول دشمن)

پاسخ منفی به خواسته‌های آمریکا یعنی نابودی! تحلیلگر ناشناس آمریکایی استقرار دمکراسی در خاورمیانه را مشروط به کشتار یک‌سوم از مردم عراق و آواره‌ساختن و بلا تکلیف رهاکردن دوسوم دیگر می‌داند. شاعر با نقل گفته‌های این کارشناس به دنبال مستندسازی از جنایت‌های سازمان‌یافته ائتلاف آمریکایی در عراق است:

«أمرنا أن نقول: نعم، فقلنا: لا/ وكنثُ أصدق أنْ ثمن (لا) في الأمركة المعاصرة يساوي/ خمسة وعشرين مليوناً، وتسعمئة ألفٍ طينٍ من المتفجرات/ قال المحللُ الأمريكيّ (بعلميةٍ وموضوعيةٍ): المطلوبُ قتل ثلث العراقيين حرباً ودهساً واغتيالاً، وتهجير ثلثهم الآخر، والإبقاء على الثلث الأخير (من المعوقين والشيوخ والأطفال) وهكذا يصفو الجو لديمقراطية الشرق الأوسط الكبير» (همان، ب: ۵۵-۵۶).

### ج) کاترین (نماینده اروپای ضدجنگ)

کاترین شهروند اروپا خطاب به عراقی‌ها می‌گوید به خاطر زیبایی‌هایی که از طبیعت و فرهنگ و از تاریخ باستانی‌تان به ارث برده‌اید قوی باشید و اطمینان داشته باشید که هیچ‌بمی‌توان نابودی زیبایی را ندارد:

«أرسلت کاترین صديقتي البلجيكية تقول: /كونوا أقوياء بالجمال الذي تمتلكون/ فالجمال كما يقول دستوفسكي سيحمي العالم/ وليس بإمكان أية قنبلة أن تحطم قانون الجمال» (همان، ب: ۶۴).

## ۱۱-۳. لغت‌نامه زنانه

طرح‌واره جنسیتی زن بودن با رفتارهای خاص (گل‌آرایی)، نقش‌های خاص (خانه‌داری)، مشاغل خاص (آموزگار مدرسه ابتدایی) و صفات خاص (پرورش‌دهندگی) ارتباط دارد (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۷۷: ۱۱۰-۱۱۱). بر همین اساس کلمه‌های مربوط به بافندگی، خیاطی، آشپزی، لوازم‌خانه و خانه‌داری به علت پایگاه اجتماعی خاص زنان و فعالیت آن‌ها در این زمینه‌ها در زبان‌شان پدیدار شده است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۴) و سهم جنگ ۲۰۰۳م. از این طرح‌واره علاوه بر مباحث پیشین، شامل گلدوزی دستمال و معطر کردن لباس‌ها برای شهیدان است:

«دِبابَاتُ الْعَزْوِ تَدُوْرُ/ فَرَاشَاتُ الْفَجْرِ يُطْرِزْنَ مَنَادِيْلَ الْحَزَنِ/ لِأَطْفَالٍ مَقْتُولِيْنَ/ وَيَعْطِرْنَ

غَلَائِلَ لِلشَّهْدَاءِ» (البيستاني، ۲۰۱۲، آ: ۱۱۴).

## ۴. نتیجه‌گیری

جنگ یک واقعیت مردانه و خشن است و روایت مردانه از آن، گزارشگر نبرد در مرزهاست و فرصت چندانی برای انعکاس رویدادهای پشت جبهه ندارد؛ این در حالی است که زنان و کودکان نیز قربانیان جنگ هستند. بنابراین زنان برای متعادل ساختن وضعیت نابرابر موجود، گزارشگر رویدادهای جنگ در داخل مرزها شدند. آن‌ها بعد عاطفی جنگ را در کنار ابعاد خشن و خونی و خاکی آن تقویت کردند و حق انحصاری زبان مردانه در روایتگری از جنگ را با مؤلفه‌های برون‌گرایی در احساسات، فاعلیت زنانه، از تن‌نویسی، مادرانگی، کاشانه‌دوستی، رؤیایپردازی، گریز به خاطرات کودکی، ساده‌نویسی، جزئی‌نگری و تأیید زبان جنسیت‌زده (فرهنگ زبانی زنانه) درهم شکستند و مرزهای جدیدی را فراروی روایت از جنگ براساس زن یا مرد بودن راوی آن طرح کردند.

در تکمیل موارد یادشده باید گفت: (۱) فاعلیت زنانه با تغییر زاویه دید ضمایر و افعال به اول‌شخص، و تحول از خواستنی به خواستاری در تقابل با سلطه‌گری مردانه شکل می‌گیرد که تلاش دارد زنان را منفعل، وابسته و آسیب‌پذیر نشان بدهد؛ (۲) جنگ باعث شد تا بستانی به آمریکایی‌ها ناسزاهای درشت بگوید، شعر او از این منظر به روایت مردانه از جنگ نزدیک می‌شود. او با نفرین دشمن به واسطه ناتوانی از انتقام‌جویی بار دیگر از مدار مردانه‌نویسی به سمت زنانه‌نویسی متمایل می‌شود؛ (۳) از تن‌نویسی زنان بر مبنای امتیازات جنسی و زیستی به تمایز روایت آن‌ها از جنگ و آفرینش ساختار و محتوایی جدید در

زنانه‌نویسی از جنگ ۲۰ مارس ۲۰۰۳م در عراق (اشعار بشری البستانی) مرتضی زارع برمی

قیاس با گونه مردانه انجامیده است؛ ۴) همدلی، همدردی و عاطفی بودن در کنار طرد زنان از حوزه‌های عمومی براساس کدهای جنسیتی باعث شد تا خانه و خانواده در روایت زنانه از جنگ بیش از گونه مردانه مورد توجه قرار بگیرد؛ ۵) مردان برعکس زنان آموخته‌اند که باید قدرتمند باشند و شیون نکنند، زیرا مردان احساسی در فرهنگ مردانه ضعیف شمرده می‌شوند و طبیعی است که هیچ مردی دوست ندارد در نظر دیگران ضعیف جلوه کند؛ ۶) زنان اغلب بر مبنای رقابت نابرابر با مردها بر سر منابع سلطه و ثروت و پیامدهای منفی ناشی از آن به نقل قول مستقیم از دیگران روی می‌آورند؛ ۷) استفاده از ساختار پرسشی برای به تأمل واداشتن مخاطبان در پیام‌های متن و تأکید این پیام‌ها و همچنین برقراری برابرسالاری بین نویسنده و مخاطب با اقبال زنانه‌نویسان مواجه می‌شود؛ و ۸) فرهنگ زبانی، شغلی و احساسی زنان و مردان براساس رویکردهای زیست‌شناختی، روان‌شناختی، روان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی آنان از یکدیگر متمایز است.

## کتابنامه

## کتاب‌ها

## الف) عربی

- الأعرابي، نازك (۱۹۹۷م)، صوت الأنثى (دراسات في الكتابات النسوية العربية)، ط ۱، دمشق: الأهالي.
- برادة، محمد (۱۹۸۶م)، الفوضى والفعل المتغير، ضمن كتاب (دراسات في القصة العربية)، ط ۱، بيروت: الأبحاث العربية.
- البستاني، بشرى (۲۰۱۲م)، الأعمال الشعرية بشرى البستاني، ط ۱، بيروت: العربية. (أ).
- \_\_\_\_\_ (۲۰۱۲م)، حماسية المحنة، ط ۱، عمان: فضاءات. (ب).
- بوطيب، عبد العالي (۲۰۰۶م)، الكتابة النسائية، الذات والجسد، من كتاب الكتابة النسائية، التخيل والتلقي، ط ۱، المغرب: اتحاد كتاب المغرب.
- سمير، رجا (۱۹۹۰م)، شعر المرأة العربية المعاصر (۱۹۴۵-۱۹۷۰)، ط ۱، لبنان: الحداثة.
- لحميداني، حميد (۱۹۹۳م)، كتابة المرأة من المونولوج إلى الحوار، ط ۱، العالمية للكتاب.
- مناصرة، حسين (۲۰۰۲م)، المرأة وعلاقتها بالآخر في الرواية العربية الفلسطينية، ط ۱، بيروت: الساقية.

## ب) فارسی

- بیسلی، کریس (۱۳۸۵ش)، چستی فمینیسم (درآمدی بر نظریه فمینیستی)، ترجمه محمدرضا زمردی، ج ۱، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

جانیتی بلوتی، النا (۱۳۸۸ش)، اگر فرزند دختر دارید ... جامعه‌شناسی و روان‌شناسی شکل‌گیری شخصیت در دخترها، مترجم محمدجعفر پوینده، چ ۷، تهران: نی.

سیدمن، استیون (۱۳۸۶ش)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، چ ۱، تهران: نی.

فاولر، راجر (۱۳۹۰ش)، زبان‌شناسی و رمان، ترجمه محمد غفاری، چ ۱، تهران: نی.

فتوحی، محمود (۱۳۹۱ش)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، چ ۱، تهران: سخن.

گری، جان (۱۳۷۸ش)، مردان مریخی زنان ونوسی، مترجمان لوییز عندلیب و اشرف عدیلی، چ ۷، تهران: علم.

گرین، کیت و جیل لیبهان (۱۳۸۳ش)، درسنامه نظریه و نقد ادبی، سرمترجم حسین پاینده، چ ۱، تهران: روزنگار.

گولومبوک، سوزان و رایین فی‌وش (۱۳۷۷ش)، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای، چ ۱، تهران: ققنوس.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۹ش)، جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی، چ ۱، تهران: گل‌آذین.

نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳ش)، مردم‌شناسی جنسیت، چ ۱، تهران: افکار و سازمان میراث فرهنگی کشور.

یعقوبی، علی (۱۳۹۳ش)، نظریه‌های مردانگی با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی، چ ۱، تهران: پژوهش.

## مقالات

### الف) عربی

أحمد، محمد (۲۰۰۴م)، «الغزو الأمريكي - البريطاني للعراق عام ۲۰۰۳م. بحث في الأسباب والنتائج»، مجلة جامعة دمشق، المجلد ۲۰، العدد (۳+۴): صص ۱۱۵-۱۴۳.

حسین، ایاد محمد و عامر محمدحسین (۲۰۱۴م)، «الرقص الصوفي ورمزية الحركات الراقصة المولوية أمودجا»، مركز بابل للدراسات الإنسانية، المجلد ۴، العدد (۳): صص ۷۳-۹۵.

المانع، سعاد (۱۹۷۷م)، «النقد النسوي في الغرب وانعكاساته في النقد العربي المعاصر»، المجلة العربية للثقافة، العدد (۳۲)، تونس: صص ۷۳-۷۴.

### ب) فارسی

ارباب، سپیده (۱۳۹۱ش)، «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»، زبان‌شناسی تطبیقی، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۲۴.

پیش‌قدم، رضا و دیگران (۱۳۹۳)، «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتار نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی»، مطالعات زبان و ترجمه، شماره ۲، صص ۴۵-۷۱.

جوادی یگانه، محمدرضا و سیدمحمدعلی صفحی (۱۳۹۲)، «تحلیل روایت زنانه از جنگ، تحلیل انتقادی کتاب خاطرات دا»، نقد ادبی، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۸۵-۱۱۰.

زنانه‌نویسی از جنگ ۲۰ مارس ۲۰۰۳م در عراق (اشعار بشری البستانی) مرتضی زارع برمی

رضوانیان، قدسیه و سروناز ملک (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر جنسیت بر زبان زنان شاعر معاصر»،  
شعریژوهی (بوستان ادب)، سال ۵، شماره ۳، پیاپی ۱۷، صص ۴۵-۷۰.  
محمودی بختیاری، بهروز و مریم دهقانی (۱۳۹۲)، «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی:  
بررسی شش رمان»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۴۳-۵۵۶.

### مکاتبه

مکاتبه با بشری البستانی از طریق ایمیل یاهو (۲۰۱۷/۰۴/۰۲م)، ساعت ۰۶/۱۶ به وقت تهران. (آ).  
\_\_\_\_\_ (۲۰۱۷/۱۱/۰۶م)، ساعت ۲۱/۳۷ به وقت تهران. (ب).

### مصاحبه

مصاحبه با د. بشری البستانی (۱۷ مه ۲۰۰۶م)، گروه زبان عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه موصل، عراق.

### کتابنامه لاتین

- Beynon, J. (2002), **Masculinities and culture**, Buckingham: open University Press.
- Fasold, Ralph W (1990), **Sociolinguistics of Language**, England: Basil Blackwell Ltd.
- Graddol, David and Joan Swann (1989), **Gender Voices**, Oxford, UK, New York, N.Y.: B. Blackwell.
- Talbot, Mary M (2010), **Language and Gender**, London: Cambridge.
- Thomas, Linda and Others (2004), **Language Society and Power**, Second Edition, London: Routledge.
- Tiger, Lionel (1970), **Men in groups**, New York: Vintage books.

### مقاله‌ها

- Mazey, S. (2000), "Introduction: Integration gender-intellectual and real world mainstreaming", In S. Mazey (Ed.), **Women, Power and Public Policy in Europe. Special Issue. Journal of European Public Policy**, 7(3): pp333-345.
- Sonenschein, D. (1969), "The homosexual's language", **The Journal of Sex Research**, 5 (4): pp281-291.

## الكتابة النسوية عن غزو العراق (٢٠ مارس ٢٠٠٣م)،

### الأعمال الشعرية لبشرى البستاني

مرتضى زارع يرمي\*

أستاذ مساعد في قسم الترجمة العربية بجامعة دامغان

#### الملخص

يعالج هذا البحث الكتابة النسوية عن غزو العراق عام ٢٠٠٣م من خلال شعر الشاعرة العراقية، بشرى البستاني. بعد أحداث ١١ سبتمبر ٢٠٠١م، وقعت العمليات العسكرية في العراق سنة ٢٠٠٣م، واستمرت من ١٩ مارس إلى ١ مايو ٢٠٠٣م، والتي أدت إلى إحتلال العراق من قبل الولايات الأمريكية المتحدة. بشرى البستاني أدانت الحرب المفروضة على العراق وحين كتبت عنها، إنطلقت من أرض جديدة وجعلت المرأة العراقية مركز الحدث، كأم وزوجة وحببية وفيه في الأزمات التي حدثت أثناء الحرب، وتلك الحرب لم تكن مجرد خنادق وجانب عسكري و ساحة قتال، بل كان لها أثراً نفسياً وأخلاقياً بالغاً في نفوس السكان المدنيين، كاليتم والموت والغاء المواعيد والمآسي العائلية، ولأهمية هذه التجربة يسعى البحث إلى تقصي دور المرأة العراقية في هذه الحرب بأنها المجاهدة والمضحية والبناءة والمتصدية وأنها نعم الأم والزوجة والأخت والحببية التي سجلت لنفسها تجارب رائعة. هنا يتقصى البحث قدرة الشاعرة على توثيق هذه التحولات المقرونة بالمواقف إزاء الحرب من جانب، وإزاء مصاعب المدنيين وخاصة النساء من جانب آخر، حينما يُعدّ الرجل هو العنصر الأهم في روايات الحرب ويُوصف بكونه مقاتلاً مغوراً في جبهة القتال، والمرأة تكون عنصراً جمالياً تكميلياً أو هامشياً في أدب الحرب وتُوصف بكونها ضحية ضعيفة في الجبهة الداخلية.

الكلمات الرئيسية: الكتابة النسوية، الكتابة الذكورية، الحرب، العراق، الولايات الأمريكية المتحدة.